



۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

MCIH-confir





راه کارهای نوین در مدیریت آموزشی با تأکید بر نقش مدیر مدرسه و آموزگار در مدارس

فاطمه کریمی^a، علی صادق‌وند^b

^a کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

^b کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

نویسنده مسئول: فاطمه کریمی

چکیده: در آموزش و پرورش مدیریت مدرسه را مهمترین عامل تغییر و نوآوری در امر آموزش و پرورش می‌دانند زیرا امر تدریس و یادگیری که محور تمامی فعالیت‌های آموزش و پرورش است، به گونه‌ای عمده در مدرسه صورت می‌گیرد. به همین دلیل، ارزیابی عامل‌های موثر بر نوآوری و خلاقیت در بین مدیران آموزشی کشور، اصلی جدایی‌ناپذیر در مدیریت هر نظام پویاست. ارزشیابی و آگاهی از عامل‌های موثر بر نظام نوآوری اثر بخشی مدرسه، کارکنان و سازمان را افزایش می‌دهد و از بی‌نظمی و از هم‌پاشیدگی آن جلوگیری میکند، از سویی دیگر شیوه‌های نوین تدریس در سراسر دنیا به یک امر ضروری و قطعی تبدیل شده و بسیار از کشورها اولین قدم در مسیر رشد و توسعه پایدار و بلند مدت را از تحول در مدارس آغاز می‌کنند لذا در این مطالعه راه کارهای نوین در مدیریت آموزشی مدارس را در دو حوزه اساسی مورد بررسی قرار گرفته است نخست وظایف مدیریت نوین از سوی مدیریت مدرسه و سپس بررسی شیوه‌های نوین تدریس توسط آموزگار تا با ترکیب این دو عامل اساسی همچون دو بال پرواز شاهد تحول و باروری استعدادهای دانش‌آموزان گردد.

کلمات کلیدی: مدیریت نوین آموزشی؛ مدیر مدرسه؛ آموزگار.

۱. مقدمه

مدیریت در زندگی بشر یک پدیده نو ظهور نیست بلکه عمر آن به درازای عمر تاریخ بشری است. انسان در یک پیوستار تاریخی از زندگی انفرادی به زندگی قومی و از زندگی کشاورزی به حیات مدرن صنعتی و در نهایت به زندگی پیچیده امروزی به نظریه‌ها و رویکردهای جدید در مدیریت پا نهاده است. دوبرین مدیریت را فرآیند به کارگیری منابع انسانی برای تحقق اهداف سازمانی از طریق کارکردهای برنامه‌دهی، مدیریت، نظارت و کنترل می‌داند. منابع به صورت اثر بخش و کارا و تلاش جهت رسیدن به اهداف سازمان تعریف کرده‌اند. مدیریت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت شایانی است. بررسی کارشناسان توسعه اقتصادی نشان داده است که فراهم نمودن تکنولوژی و پول به تنهایی توسعه و رشد را پدید نمی‌آورد. تا زمانی که نیاموزیم چگونه می‌توان از منابع انسانی به درستی استفاده کرد و آنها را مدیریت نمود، تکنولوژی و تبعات آن بی‌بهره و گاه دست و پا گیر است (اشرفی، ۱۳۹۸). پلینت معتقد است که در سال‌های اخیر کمتر وظایفی به اندازه وظایف مدیر مدرسه مورد سؤال واقع شده است. در حقیقت به موزات اصلاحات و تقویض اختیارات بیشتر به مدیران مدارس، وظایف و مسئولیت‌های آنان سنگین تر و چالش‌ها بیشتر شده، در حالی که منابع محدودتر از گذشته است. مدیریت مدرسه در حال حاضر، گسترش بیشتر مهارت‌ها، دانش و معلومات وسیع و هویت حرفه‌ای مدیر را می‌طلبد. مدیران مدارس باید بتوانند جامعه محلی را به همکاری و همیاری بطلبند، مدرسه را به صورت مشارکتی رهبری کنند، میانجیگری تنش‌ها بشوند، برانگیزاننده و مشوق رشد حرفه‌ای معلم‌ها و از همه مهم‌تر عامل تغییر در مدرسه باشند. تغییر موقعیت و انتظارات از مدیر مدرسه کار برنامه‌ریزان آموزش مدیران را تحت الشعاع قرار داده و آنان را به تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی و آماده‌سازی مدیران وا می‌دارد. به همین سبب است که در بسیاری از کشورها شاهد تهیه برنامه‌های جدید و تجدید نظر در برنامه‌های سنتی آموزش مدیران هستیم و گروه‌ها و کمیسیون‌های بی‌شماری به بررسی و ارائه پیشنهادها برای تهیه راهکارهای متناسب با نیازهای نظام آموزشی پویا و اثربخش می‌پردازند (چاکرزی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر نقش مدیریتی معلم در فراگیری دانش‌آموزان بیش از پیش مورد توجه بوده و شیوه‌های نوین آموزشی در حال معرفی و تکامل هستند بنابراین هم مدیران و هم معلمان باید با رویکردهای نوین مدیریت آموزشی در شکوفایی هرچه بیشتر استعدادهای دانش‌آموزان اقدام کنند.